



(شهید مینا)



به : **مینا**،
این شخصیت برجسته
جنبش انقلابی افغانستان

مینا، طغیانگر بی همتا [۶]

مینا
نه به سان هر کنگینه، (۱)
که خمیر شان
از گلِ خام
و در خُمِ شان
خوشه های انگورِ سرد
از بیمِ دی،
غنوده



مینا،
جوهرت،
و آبگینه شفاف و سیالت
که در آتشفشان نمرود
و آتشدان آذرنوش
جوشیده
"راوا" ی تو
به سان کوره ناپیدای آسمان
پاشیده
برسنگر سیاه دوزخیان
صد هزاران شهاب
مینا _ طغیانگر بی همتا _
نام نامی ات
سرلوحه گهنامه رزم زنان باد !



■ [۶]-: (" مینا طغیانگر بی همتا") به تاریخ ۱۰ جنوری ۱۹۹۵ سروده شده، پیوست بانامه ای از این قلم در شماره ۳۹ حوت ۱۳۷۳ - فیروزی ۱۹۹۵ " پیام زن" درج می باشد.

"راوا" طی نامه شماره ۴۹۳- / ۲۳ نومبر ۱۹۹۴ به خاطر تجلیل از هشتمین سالروز شهادت رهبر و بنیانگذارش (مینا) که به تاریخ ۴ فبرور ۱۹۹۵ در اسلام آباد برگزار می شد، از این قلم تقاضا نمود تا به پاکستان آمده در تجلیل این محفل اشتراک ورزد، همچنان در اخیرنامه چنین آمده: " در صورتیکه شرکت در محفل برایتان مقدور نباشد از دریافت پیام شما که یقیناً بیانگر همدردی و همبستگی با مردم و بخصوص زنان افغانستان اسیر چنگال خونین بنیاد گرایان خواهد بود، استقبال میکنیم." از آنجائی که در کشور هند پناهنده بودیم و اشتراک در آن محفل مقدور نبود، نامه ذیل را با سروده فوق به آدرس " راوا " فرستادم:

« خواهان رزمنده و انقلابی، تهنیت و درود های گرم و سلامهای پر حرارت و رفیقانه تقدیم تان باد! نگارنده این نامه متأسف است که بنابر معاذیری نتوانست به پاکستان بیاید و افتخار نشست در این گرد همایی با عظمت و هکذا کسب آشنائی و معرفت با نمایندگان محترم سازمان ها و احزاب انقلابی را نصیب گردد. حصار محترم، بر همگان مبرهن و آشکار است که کشور های غربی در رأس ابر قدرت یکه تاز امریکا [که " مؤسسه ملل متحد " را به چماق دستش تبدیل نموده و آنرا بنابر اقتضای منافع اقتصادی و سیاسی خود و متحدین غربیش بر سر هر کشور و ملتی که لازم داند، می کوبد] هسته های متعفن بنیاد گرایی و پان اخوانیزم را در هر گوشه و کنار جهان پرورانید، و به کمک دالر، تجهیزات مدرن نظامی و دستیاران و مشاورین سیاسی و استخباراتیش از این غده های چرکین چنان هیولای هول و هراس ساخته که ؛ حتا امروز ناگذیر شده گستاخی و سرکشی آنانرا در الجزایر تحمل نماید.

با آنکه ابعاد شخصیت اجتماعی، سیاسی، انقلابی، هکذا کارنامه های رنگین و حماسه آفرین مینا، در روند مبارزه اش به خاطر رهائی نصف جامعه، یعنی زنان مظلوم و ستم دیده کشور، [و آزادی کشور و بهروزی مردم آن] توسط همزمان بی باک و ادامه کارش، از جانب سایر پیکارگران دلیر افغان که در راه آزادی میهن اسارت دیده از چنگال کرگسان (ISI و CIA) و پنجال شغالان عرب و ایران و چاکران "سازمان اطلاعات خارجی روسیه" سرگرم رزم و نبردند، همچنان از طرف شخصیت های سیاسی و نمایندگان سازمانها و احزاب انقلابی سایر کشور ها که به خاطر امر رهائی بشریت از یوغ سرمایه مبارزه می نمایند، به وضاحت بیان شده است. نگارنده علاقه مند است در این مختصر نبشته، سطری چند بر آن بیفزاید.

مینا، این شیر زن شجاع و طغیانگر بی همتا، در پیشگاه مردمش، با تواضع یک انقلابی حرفه یی، پیمان خون بست تا در راه آزادی زن و آزادی کشورش تا پای جان مبارزه بی امانش را تداوم بخشد و دمی نه آساید. سازمان " راوا" - این کانون فروزان و داغ جنبش زنان کشور را تأسیس نمود [*] و انرژی بخشی از زنان آگاه، متعهد و رزمنده کشور را ظرفیت بخشید و بعد از شکست مفتضحانه ارتش سراسیمه سوسیال امپریالیزم شوروی، بیشترین آتش مبارزه اش را متوجه این گله های وحشی و مدنیت سوز نمود. سر گله گوریلا های وحشی، یعنی گلبدین که جز با خودش با هیچ جانور خونخواری در جهان قابل مقایسه نیست، به یاری یاران قدیمش، یعنی خادی ها، پلان قتل وی را طرح و سر انجام ترورش نمودند. روحش شاد[خاطره اش گرامی] و درفشش در اهتزاز باد!

حصار محترم، اجازه دهید نقل قولی از پیشوای بین الملل اول (مارکس) بیاوریم:

" هرکس چیزی در باره تاریخ بداند، می داند که تغییرات بزرگ اجتماعی بدون جوشش زنان امکان پذیر نیست ". متکی به حکم فوق می توان تذکار داد که هر جوشش سیاسی، به خاطر تغییرات بزرگ اجتماعی، نیاز مبرم به ظرف و قالبی دارد که در آن مجموع انرژی مبارزان تحول پسند به هم برسد.

مینای شهید نه یک بار ؛ بل بار بار ثابت نمود که انسان آگاه و متعهد چگونه باید در میان توفان خون و امواج سرب مذاب ، که سوسیال امپریالیزم شوروی و چاکران آن در کشور راه انداخته بودند، به ستیز و جدل بپردازد و در زیر پای ابلیمان اخوانی آتش انتقام افروزد و با قاطعیت و پیگیری ریشه آنان را بخشکاند. تاریخ پر ابهت کشور ما نام این زن انقلابی را بر کتیبه اش چنین رقم زده است: [سروده "مینا... " به ادامه این سطر درج نامه شده بود] در پیوند باد مبارزه " راوا " با جنبش کارگران جهان! زنده باد مبارزه مشترک کلیه نیرو های آزادیخواه و مترقی به ضد احزاب منفور اخوانی و چاکران روسی! م. ک. ت سابق عضو سازمان انقلابی وطن پرستان واقعی [سازمان تسلیم ناپذیر و پرافتخار "ساوو"] ۱۰ جنوری ۱۹۹۵ - دهلی جدید >>.

۱- **کنگینه**: در فصل برداشت انگور که مصادف است باماه هفتم سال ، باغداران کشور برای اینکه بتوانند انگور را از آسیب سرمای شدید زمستان حفظ نمایند، از گِل خام، دو دانه تابه از داخل (مثل کاسه) فرورفته، به اندازه بیشتر از یک بلست (یک و جب) می سازند. بعد از خشک شدن تابه های گلی ، چند خوشه انگور را در میان تابه اولی (بر بالای پنبه) جای داده، بردور لب آن اندک گل نرم گذاشته، تابه دومی را به روی آن قرار می دهند. بعداً با گل آبیگین دور آنرا می مالند. بدینگونه انگور از گزند سرمای شدید زمستان محفوظ می ماند. بعضاً باغداران و میوه فروشان کنگینه را به مشتریان هم عرضه می نمایند. مردم در همین زمینه مثلی دارند :

« **مرد مینا ها، که سر کشید کنگینه ها** ». مراد از آن، مقایسه افراد نابکار، نافهم ؛ پرمدها و خودنما و جاه طلب است که زنده اند، با اشخاص بافهم، کاردان، با تجربه و فروتن و فداکار (چه در صحنه سیاست و چه در امور اجتماعی) که به گونه ای از کار برکنار ساخته شده اند و یا زندانی یا اعدام شده و یا به مرگ طبیعی در گذشته اند.

یکی یعنی کنگینه (که از گلی نارس و دنی در کمترین مدت و به سادگی شکل گرفته، انگور با هسته و پوست و برگش را در خود جای داده)، خودش را در همچشمی و رقابت با دیگری؛ یعنی مینا (که با دست استاد کار، مواد نخستینش در کوره آتش به قوام و مراحل عالی رسیده، تنگ بلور پردرخشش و شفاف گشته، آب تخمیر شده انگور که انبیبق دیده، باده گوار و آتشگون شده، سکر و آرامشی بخشیده به نوشنده ...) قرار می دهد؛ به سان مقایسه دست نشاندگانی ، مثل ببرک و کرزی با میرویس نیکه و شاه امان الله خان!

[*] – ستایش از مینا به مثابه بنیانگزار «راوا» ، به معنی تأیید تمام تاریخ آن نهاد نیست .